

Strategic Cooperation between China and Iran in the Middle East:

Transition from American to Chinese order

Ghodratollah Behboudi Nejad*

Khatereh Hamidi**

Abstract

Over the past two decades, China has expanded its influence in the Middle East, focusing on building economic ties through trade and infrastructure development in what it calls "soft integration." In contrast, the United States continues to prioritize what is called "hard integration," focused on strategic alliances with security commitments, deployment of military equipment, and integration of regional defense systems. An ongoing challenge is that the two integration processes are increasingly encountering conflict points that lead to tensions in the region's geopolitics. The question is how the United States and China will adapt to these tensions. The opportunity is that the role of the United States as a regional security provider and the role of China to strengthen economic ties can effectively exist. Doing so, however, requires the development of a new set of norms for geopolitical competition and the mutual acceptance of a more pluralistic vision for world order. Failure to do so will not only increase instability in the Middle East, but also increase the possibility of conflict between the two great powers.

Keywords: China, U.S, Middle East, Iran, Reshaping of World Order.

* Assistant Professor in International Relations, Islamic Azad University, Rafsanjan Branch (Corresponding Author), mohsen.behboodi555@gmail.com

** Ph.D. Candidate of International Relations, Islamic Azad University, Rafsanjan branch, hamidkhatereh04@gmail.com

Date received: 18/03/2023, Date of acceptance: 30/05/2024



همکاری استراتژیک چین و ایران در خاورمیانه:

گذار از نظم امریکایی به چینی

قدرت الله بهبودی*

خاطره حمیدی**

چکیده

در دو دهه گذشته، چین نفوذ خود را در خاورمیانه گسترش داده و در جهت آنچه «ادغام نرم» نامیده میشود، بر ایجاد روابط اقتصادی از طریق تجارت و توسعه زیرساخت‌ها تمرکز کرده است. در مقابل، ایالات متحده همچنان به اولویت دادن به آنچه «ادغام سخت» نامیده میشود، متمرکز بر اتحادهای راهبردی با تعهدات امنیتی، استقرار ادوات نظامی و ادغام سیستم‌های دفاعی منطقه‌ای است. یک چالش مداوم این است که دو فرآیند ادغام به طور فزاینده‌ای با نقاط درگیری مواجه می‌شوند که منجر به تنش در ژئوپلیتیک منطقه می‌شود. سوال این است که چگونه ایالات متحده و چین با این تنش‌ها سازگار خواهند شد. فرصیه این می‌باشد که نقش ایالات متحده به‌عنوان یک تامین‌کننده امنیت منطقه‌ای و نقش چین برای تقویت ارتباطات اقتصادی می‌تواند به‌طور مؤثری وجود داشته باشد. با این حال، انجام این کار مستلزم توسعه مجموعه جدیدی از هنجارها برای رقابت ژئوپلیتیکی و پذیرش متقابل دیدگاه کثرت‌گرایانه‌تر برای نظم جهانی است. ناکامی در انجام این کار نه تنها بی‌ثباتی در خاورمیانه را افزایش می‌دهد بلکه احتمال درگیری بین دو قدرت بزرگ را نیز افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: چین، آمریکا، خاورمیانه، ایران، تغییر شکل نظم جهانی.

* استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان (نویسنده مسئول)،
mohsen.behboodi555@gmail.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان، hamidikhaterreh04@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰



۱. مقدمه

تصورات اولیه از کمک چین به عادی‌سازی روابط دیپلماتیک بین عربستان سعودی و ایران حاکی از آن بود که این رویداد نشانه تغییر نظم ژئوپلیتیک منطقه است. کارشناسان این توافق را محصولی از «ابتکار امنیت جهانی» چین تحت عنوان «نیروی صلح، ثبات و نماد چندقطبی گرایی» معرفی کردند. ایالات متحده هم به طور علنی از توافق و تلاش‌ها برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای استقبال کرد و در عین حال به روشن ساختن این موضوع ادامه داد که ایالات متحده تنها تامین‌کننده امنیت مهم برای کشورهای منطقه باقی می‌ماند. در ماه‌های بعد، ایالات متحده سخت تلاش کرد تا عادی‌سازی بین عربستان سعودی و اسرائیل، دو رقیب دیرینه منطقه‌ای ایران را در مقابل ابتکار چین برقرار سازد. به گفته مقامات آمریکایی، چنین توافقی نشانگر یک تغییر ژئوپلیتیکی بزرگ است و باعث تحکیم نقش مرکزی اسرائیل در ساختار امنیتی منطقه می‌شود. این ائتلاف ضدایرانی باید با تضمین‌های امنیتی ایالات متحده به عربستان سعودی تکمیل گردد. اگرچه تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان به دلیل درگیری غزه و اسرائیل با چالش روبرو گردیده، اما ترس کنونی ایالات متحده در مورد نقش چین در خاورمیانه این خطر را دارد که تعهدات امنیتی بیش از حد ایالات متحده به عربستان، حضور این ابرقدرت در منطقه را حفظ کند و در عین حال لغزش به سمت درگیری قدرت‌های بزرگ را تسهیل کند.

چین که در بیشتر قرن بیستم نقش محدودی در خاورمیانه داشته است، در دو دهه گذشته نفوذ خود را در این منطقه گسترش داده و به سمت یکپارچگی نرم که بر روابط اقتصادی از جمله تجارت، توسعه زیرساخت‌ها و شبکه‌های روابط متمرکز است، تمایل دارد. در مقابل، ایالات متحده همچنان به اولویت دادن به آنچه که ادغام سخت نامیده می‌شود، متمرکز بر اتحادهای استراتژیک با تعهدات امنیتی، استقرار دارایی‌های نظامی و ادغام سیستم‌های دفاعی منطقه‌ای است. در حالی که ادغام نرم به دولت‌های منطقه اجازه می‌دهد تا تعاملات متنوعی را با چندین طرف داشته باشند، ادغام سخت به دنبال روابط نزدیک‌تر و انحصاری‌تر است: ادغام سخت می‌تواند امنیت نظامی ارائه دهد، ادغام نرم می‌تواند جنبه‌هایی از نیازهای امنیتی انسانی مانند کاهش فقر، توسعه اقتصادی و انتقال دانش را کمک کند.

با در نظر گرفتن موارد مطرح شده استدلال می‌شود که نقش ایالات متحده به‌عنوان یک تامین‌کننده امنیت منطقه‌ای و نقش چین در حال گسترش برای تقویت اتصالات اقتصادی می‌تواند به‌طور مؤثری وجود داشته باشد و رقابت استراتژیک بین ایالات متحده و چین می‌

همکاری استراتژیک چین و ایران در خاورمیانه: ... (قدرت الله بهبودی و خاطره حمیدی) ۵

تواند با ارائه خدمات متفاوت اما مکمل این قدرت های خارجی به کشورهای منطقه ادامه یابد. چنین رویکردی ممکن است بهترین راه انطباق کشورهای منطقه برای افزایش استقلال استراتژیک باشد. با این حال، یک چالش مداوم این است که دو فرآیند ادغام به طور فزاینده ای با مکانهای درگیری مختلف مواجه می شوند که منجر به تنش ها و شکاف هایی در ژئوپلیتیک منطقه می شود. یک سوال مبرم برای آینده منطقه این است که چگونه ایالات متحده و چین با این تنش ها در خاورمیانه سازگار خواهند شد، زیرا آنها به طور فزاینده ای با درگیری در جاهای دیگر مواجه می شوند و دیدگاه های رقیب و متضاد را برای نظم جهانی ارائه می دهند. ایالات متحده به ادغام نرم در حال گسترش چین در خاورمیانه به عنوان تهدیدی برای ادغام سخت در حال گسترش خود نگاه می کند و به دنبال مهار نقش منطقه ای و جهانی چین است. در عین حال، چین ممکن است برای مقابله با ادغام سخت ایالات متحده از طریق ایجاد شکاف بین دولت های منطقه و ایالات متحده تلاش کند، در حالی که به آرامی اشکال ادغام سخت خود، هرچند محدود، را گسترش می دهد. ناکامی در ایجاد مجموعه جدیدی از هنجارها برای رقابت ژئوپلیتیک جهانی و دیدگاه کثرت گرایانه تر برای نظم جهانی احتمالاً بی ثباتی در خاورمیانه را افزایش می دهد و احتمال درگیری دو قدرت های بزرگ در آینده را افزایش می دهد.

۲. اولویت های ایالات متحده در خاورمیانه

اولویت های سیاست خاورمیانه ایالات متحده در دهه های بعد از جنگ جهانی دوم تغییر یافته است، سه حوزه به طور مداوم در صدر دستور کار ایالات متحده قرار دارد: (۱) امنیت اسرائیل، (۲) اتحاد نزدیک با عربستان سعودی، و (۳) کنترل تنگه ها در خلیج فارس و پیرامون آن (Andersen, 2019:5). در واقع، این سه مورد نه تنها سیاست ایالات متحده در منطقه بلکه توازن منطقه ای قدرت را نیز تعیین می کنند: به عنوان مثال، موضع اسرائیل در منطقه مبتنی بر قدرت نظامی خود و برپایه پشتیبانی ایالات متحده استوار شده است. این پتانسیل به اسرائیل این امکان را می دهد تا همیشه این توانایی را داشته باشد که بتواند از تهدید کشورهای منطقه به ویژه ایران، که اسرائیل آن را یک خطر وجودی شماره یک برای خود می داند، جلوگیری کند. امنیت خلیج فارس به طور واضح در دکترین کارتر سال ۱۹۸۰ بیان شده است، که هنوز هم در سیاست ایالات متحده اعمال می شود، این دکترین در جنگ نفتکش ها بین ایالات متحده و ایران ۱۹۸۸، جنگ با عراق در سال ۱۹۹۰-۹۱ برای آزادسازی کویت، جنگ عراق در

سال ۲۰۰۳ و ایجاد تنش ها در بهار سال ۲۰۱۹ بین ایالات متحده و کشورهای حوزه خلیج فارس (به ویژه امارات متحده عربی و عربستان سعودی) از یک سو و ایران از سوی دیگر به کار گرفته شد. (Arms Control Association, 2019). از سوی دیگر ثبات عربستان سعودی نیز همواره برای کاخ سفید از اولویت بالایی برخوردار است. از جمله دلایل مهم اهمیت عربستان برای آمریکا: می توان به سرمایه گذاری های عظیم عربستان سعودی در اقتصاد ایالات متحده، خریدهای هنگفت تسلیحات نظامی سعودی از آمریکا، توانایی بالای عربستان در جلوگیری از نوسانات قیمت نفت و نیز نفوذ بالای آن کشور در بازار جهانی نفت را برشمرد. بنابراین این سه حوزه تأثیر قابل توجهی در توازن منطقه ای قدرت برای ایالات متحده دارند. در مورد اسرائیل همچنین باید اشاره داشت که ایالات متحده تحمل نخواهد کرد که اسرائیل به یک قدرت نظامی ضعیف در منطقه تبدیل شود، و از سوی دیگر نیز خواهان تضعیف یا فروپاشی عربستان سعودی و متحدان عربش نیز نمی باشد، و حتی خواهان این است که کنترل مراکز حساس در خلیج فارس از دست ایالات متحده و متحدان عرب آن خارج نشود. بنابراین بر اساس این سه اولویت ایالات متحده حضور نظامی قابل توجهی در منطقه از جمله پایگاه دریایی در بحرین، پایگاه هوایی اَلْعَدید و مرکز ستکام در قطر و پایگاه های کوچک دیگری در امارات متحده عربی، کویت و عمان را دارد.

با توجه به هر سه این اولویت، از دید آمریکایی ها، ایران تهدید اصلی محسوب می شود. این سه دلیل، همراه با اتهامات آمریکا مبنی بر حمایت ایران از تروریسم جهانی و تولید سلاح های کشتار جمعی، ایران را به دشمن شماره یک آمریکا در منطقه تبدیل کرده است (Andersen, 2019; 6).

بنابراین روابط بین ایالات متحده و متحدانش در خاورمیانه و تمایل ایالات متحده برای همکاری با کشورهای استبدادی منطقه یک مساله راهبردی در راستای منافع ملی این کشور است و هرگونه تجزیه و تحلیل از سیاست های خاورمیانه ای ایالات متحده باید مبتنی بر سیاست واقعی استراتژیک این کشور که بر سه اولویت بالا متمرکز است، باشد.

۳. چین و خاورمیانه

چین خاورمیانه را به عنوان مناطق همسایگی بزرگتر برای خود تعریف کرده و در سیاست خارجی خود اهمیت ویژه ای را به آن اختصاص داده است و منطقه خلیج فارس را مهم تر از بخش مدیترانه ای خاورمیانه می داند. این رویکرد با پروژه ابتکار کمربند-راه بیشتر تقویت شده

همکاری استراتژیک چین و ایران در خاورمیانه: ... (قدرت الله بهبودی و خاطره حمیدی) ۷

است و در حوزه سیاست عربی چین به صورت علنی بیان شده است. پس از انتخاب شی جی پینگ به ریاست جمهوری، چین با اتخاذ یک سیاست خارجی پویا و پایدار به طور فزاینده ای درگیر در منطقه شمال آفریقا، خاورمیانه و بویژه خلیج فارس گردید. کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس در خلال انقلابهای عربی به دنبال نگاه به شرق بودند از یک سو به این دلیل که از سیاست های اعمال شده اوپاما برای انجام اصلاحات در مصر ناخشنود بودند، و از سوی دیگر به این دلیل که آنها از نیاز روز افزون چین به انرژی و تبدیل شدن آن به یک سرمایه گذار بزرگ و سریع در حال رشد، آگاه بودند، راهبردی که می تواند از برنامه های تنوع اقتصادی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پشتیبانی کند. چین برای پیشرفت اقتصاد خود به منابع پایدار انرژی نیاز دارد، و کشورهای منطقه خلیج فارس می توانند آن را تأمین کنند (Kenderdine and Lan, 2018: 558). با این حال، وضعیت ایران نیز شبیه سایر کشورهای شورای همکاری است. ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس همگی برای پروژه جاه طلبانه ابتکار کمربند راه بسیار مهم هستند و مناطق جذابی هستند که چین می تواند سرمایه های مازاد خود را در پروژه های بزرگ زیرساختی مانند ساخت بنادر، ایجاد کارخانه ها، بخش های مختلف انرژی از جمله انرژی هسته ای، همکاری در پروژه های دفاعی و پیشرفته، از جمله قابلیت های فضایی و ارتباطات آی تی مانند شبکه جی فایو، سرمایه گذاری کنند. تقریباً تمام کشورهای منطقه خاورمیانه نگاه امیدوارکننده ای به چین به عنوان یک بازار رو به رشد و همچنین یک تأمین کننده مالی و تکنولوژی بدون پیش شرط های سیاسی مانند دموکراسی و حقوق بشر که کشورها و نهادهای غربی بر آنها اصرار می کنند، دارند. این موارد سبب شده که چین شریک جدید و جذابی برای کشورهای خاورمیانه باشد.

تلاش های پکن برای تعامل با خاورمیانه در چند سال گذشته سرعت گرفته است. در سال ۲۰۲۲، سازمان همکاری شانگهای گسترش یافت و ایران را به عنوان یک عضو رسمی دربر گرفت و پنج کشور از شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس (بحرین، کویت، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی) به همراه مصر شریک گفتگو با این سازمان شده اند. گزارش های رسانه ای طی دو سال گذشته نشان می دهد که چین ممکن است در حال احداث پایگاهی در امارات باشد (Hudson, 2023) تا آنجا که وزارت دفاع ایالات متحده ابراز نگرانی کرده است که چین ممکن است امارات را به عنوان مکانی برای تسهیلات لجستیکی ارتش آزادی بخش خلق در نظر بگیرد (U.S. Department of Defense, 2023).

در اواخر سال ۲۰۲۲، شی جین پینگ، رئیس جمهور چین به عربستان سعودی سفر کرد تا دیداری دوجانبه با رهبری عربستان سعودی داشته باشد و همچنین اولین نشست سران مجمع همکاری چین و کشورهای عربی را با رهبران شورای همکاری خلیج فارس برگزار کرد. در مارس ۲۰۲۳ پکن با موفقیت توافق بین ایران و عربستان سعودی را برای عادی سازی مجدد روابطشان تسهیل کرد. در راستای حل مسائل منطقه، در بهار ۲۰۲۳ نیز، پکن همچنین تلاش های خود را برای کمک به حل مناقشه فلسطین و اسرائیل تقویت کرد و شراکت راهبردی با فلسطین را اعلام نمود. در آگوست ۲۰۲۳، بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) برنامه های خود را برای گسترش به اعضای از خاورمیانه از جمله ایران، عربستان سعودی، مصر و امارات اعلام کرد (Borger, 2023). هر چهار کشور تایید کردند که قصد دارند به این سازمان بپیوندند.

پس از حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل، نقش فعلی و بالقوه جمهوری خلق چین در خاورمیانه بیشتر در کانون توجه قرار گرفت است. چین مناقشه فلسطین و اسرائیل را تهدید اصلی صلح و امنیت در خاورمیانه می داند. مناقشه فلسطین و اسرائیل یکی از محورهای گفتمان سیاسی چین با کشورهای عربی بوده است که در بیانیه های مجمع همکاری چین و کشورهای عربی منعکس شده است. از سال ۲۰۰۲، فرستاده ویژه پکن برای خاورمیانه تلاش کرده است تا به حل مناقشه کمک کند (Murphy, 2024:3). چین برای پایان دادن به خشونت از راه حل دو دولتی با یک کشور مستقل فلسطینی بر اساس مرزهای قبل از ۱۹۶۷ با پایتختی قدس شرقی، بازگشت بلندی های جولان به سوریه، توقف شهرک سازی اسرائیل در اراضی اشغالی، ایجاد مکانیسم نظارتی بین المللی و استفاده از یک مکانیسم چندجانبه برای حل مناقشه حمایت کرده است.

رفتار چین در بیست سال گذشته، از جمله در رای گیری شورای امنیت سازمان ملل متحد، گرایش به فلسطینی ها بوده است. در طول سال ها، به طور مداوم از آنچه که پاسخ های نامتناسب اسرائیل در قبال فلسطینی ها و نقض قوانین بین المللی می داند، انتقاد کرده است.

در حال حاضر، جمهوری خلق چین عمیقاً نگران است که جنگ اسرائیل و حماس به یک درگیری بسیار گسترده تر تبدیل شود. چین خاورمیانه را منطقه بی ثباتی می داند که آماده برای درگیری و جنگ بین دولتی است. چین به ویژه، این نگرانی را ابراز می کند که ممکن است خشونت ها بین اسرائیل و حزب الله لبنان، گروه های مورد حمایت ایران در سوریه و عراق، و همچنین حوثی ها در یمن افزایش یابد و ایران را وارد درگیری مستقیم با اسرائیل یا ایالات

متحده کند (Dewey, 2023). یک جنگ گسترده تر در منطقه می تواند کشتیرانی چین از طریق خاورمیانه را تهدید کند، قیمت جهانی نفت را افزایش دهد و خطری برای شهروندان و مشاغل چینی در کشورهای درگیر در مناقشه باشد. منافع اصلی چین در خاورمیانه اقتصادی است. یک جنگ منطقه ای میتواند خطرات قابل توجهی برای این منافع به همراه خواهد داشت.

از ماه اکتبر، جمهوری خلق چین بر تفاوت رویکردش در قبال درگیری فلسطین و اسرائیل با ایالات متحده تاکید کرده است. بیشتر این چارچوبها بر انتقاد از نقش ایالات متحده در خاورمیانه، حمایت از اسرائیل و رفتار بین المللی گسترده تر ایالات متحده است که چین آن را هژمونیک می داند. اگرچه موضع کنونی پکن در مورد جنگ اسرائیل و حماس با رویکرد گذشته آن در قبال درگیری فلسطین و اسرائیل سازگار است، اما نشانه هایی وجود دارد که نشان می دهد اسرائیل به طور فزاینده ای توسط جمهوری خلق چین رها شده است و این موضع چین می تواند منافع ملی اسرائیل را تضعیف کند (Dawn, 2024). اگرچه روابط چین با اسرائیل ممکن است به دلیل رویکرد کنونی آن به مناقشه آسیب ببیند، اما به احتمال زیاد موضع پکن در مورد جنگ اسرائیل و حماس در جهان عرب و بسیاری از کشورهای جنوب جهانی به طور گسترده تر طنین اندازی مثبت خواهد داشت.

آنچه در اینجا چین را از ایالات متحده متمایز میسازد تلاش برای راه اندازی سازمانهای منطقه ای منطبق بر خواست کشورهای آن منطقه میباشد. در منطقه خلیج فارس چین تلاش دارد اهداف بلند پروازانه کمربند-راه را نیز در همین قالب پیش برد ولی وقتی رفتار ایالات متحده را در تاسیس سازمان هایی نظیر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی و یا سایر سازمانها مورد بررسی قرار میگیرد مشاهده میشود که همواره گروه های خاصی از کشورها عضو سازمانهای مد نظر ایالات متحده هستند بدون آنکه به خواست کشورهای آن منطقه توجه شود و تنها ایالات متحده تصمیم گیر اصلی میباشد (Alterman, 2024:3). بنابراین با اتخاذ این رویه، ایالات متحده هرچقدر هم انگیزه یا قصد استراتژیک داشته باشد، ولی بخاطر اتخاذ این نوع سیاستهای سلطه طلبانه در بیشتر مواقع با دستاورد قابل توجهی روبرو نبوده است.

همچنین عدم وجود سابقه استعماری چین در منطقه را در مقایسه با کشورهای اروپایی و ایالات متحده نشان می دهد. بیش از هر چیز دیگری، تعامل پکن با منطقه بر ملاحظات اقتصادی و سیاسی تاکید دارد. اگرچه برخی از عناصر امنیتی در رفتار جمهوری خلق چین وجود دارد ولی رد پای امنیتی آن محدود است. نشانه کمی وجود دارد که چین می خواهد تضمین های امنیتی برای کشورهای منطقه ارائه دهد. به این ترتیب، رفتار جمهوری خلق چین

به طور چشمگیری با رفتار ایالات متحده که حضور امنیتی قوی در منطقه را حفظ می کند، متفاوت است (Murphy, 2024). بنابراین چین به عنوان یک قدرت در حال ظهور و دست یابی این کشور به ثروت منطقه خلیج فارس، در دراز مدت می تواند قدرت اقتصادی خود را به قدرت نظامی و سیاسی ترجمه نماید و این همان عاملی است که موجبات نگرانی ایالات متحده را فراهم نموده است (دهقانی و امیری، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

۴. چین و ایران

دلایلی که می تواند حفظ روابط چین و ایران را با وجود تحریم های ایالات متحده که به ژئوپلیتیک مرتبط است توضیح دهد.

۱.۴ اهمیت ایران برای پروژه کمر بند - راه

برای درک اهمیت ایران برای کمر بند - راه چین، باید نگاه دقیق تری به امکانات ژئوپلیتیکی که جمهوری اسلامی ارائه می دهد و خود جغرافیا داشت. ایران در خاورمیانه واقع شده است، منطقه ای با درگیری های مداوم و کشورهای متضاد که از طریق روابط پیچیده به هم متصل شده اند. علاوه بر این، تغییرات آب و هوا، کمبود آب و خشکسالی آن را به یک عامل بالقوه برای درگیری های آینده تبدیل می کند. ایران با کشورهای عراق، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، ترکمنستان، افغانستان و پاکستان احاطه شده است و با خلیج فارس و همچنین دریای کاسپین همسایه است. پس از عربستان سعودی، ایران دومین کشور بزرگ خاورمیانه است. این کشورها در امتداد خلیج فارس مرز دریایی مشترک دارند. قلمرو ایران به دلیل توپوگرافی خود شامل خطوط پدافند طبیعی مانند کوه های زاگرس یا دشت لوت و فلات کویر است. با این وجود، آب و هوای خشک، مقابله با تغییرات اقلیمی را برای کشور دشوار می کند.

این منطقه نه تنها منابع غنی نفت و گاز را تامین می کند، بلکه سه قاره یعنی آسیا، اروپا و آفریقا را به هم متصل می کند. موقعیت آن، آن را به یک مکان استراتژیک مهم برای تجارت تبدیل می کند. همچنین ایران از طریق خلیج فارس از طریق اقیانوس هند به دریای مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس آرام متصل می شود. از نظر جغرافیایی، ایران دارای مزیتی است که می تواند کالاها را از طریق خلیج فارس به سراسر جهان حمل کند و همچنین از طریق زمینی از طریق ترکیه و آسیا از طریق ترکمنستان به اروپا حمل می کند (APnews, 2019).

همکاری استراتژیک چین و ایران در خاورمیانه: ... (قدرت الله بهبودی و خاطره حمیدی) ۱۱

اهمیت ژئوپلیتیکی ایران نه تنها از موقعیت آن، بلکه از این ذخایر غنی نفت و گاز نیز ناشی می‌شود که با نظریه قلب مکیندر سازگار است. بر اساس این نظریه، ایران در منطقه تحت پوشش هارتلند واقع شده است و این امر آن را برای قدرتی در حال ظهور که می‌خواهد به سرزمین‌های حاشیه‌ای و هارتلند دسترسی و کنترل داشته باشد، اهمیت زیادی می‌بخشد. در این تحقیق، قدرت رو به رشد جمهوری خلق چین است که بر بخشی از زمین‌های حاشیه‌ای و همچنین هارتلند در حال نفوذ است. مکیندر در تئوری خود ادعا می‌کند که خشکی از قلب محافظت می‌کند و مجبور نیست در برابر حملات قدرت‌های دریایی مقاومت کند که از نظر تاریخی این نظریه برای چین و ایران معتبر است. چین و ایالات متحده از استراتژی‌های مختلفی برای دستیابی به کنترل بر هارتلند و ایران استفاده می‌کنند. چین از پروژه‌های کمر بند راه برای کنترل انرژی و زیرساخت‌ها استفاده می‌کند و از این راه جایگزینی برای آمریکا فراهم می‌کند، در حالی که آمریکا از راه جلوگیری از تبدیل شدن ایران به یک هژمون منطقه‌ای و اعمال قدرت در منطقه از طریق مداخلات، تحریم‌ها و تأثیرگذاری بر تجارت نفت استفاده می‌کند (Barbuscia, 2020).

در مدل ژئوپلیتیک مکیندر، ایران را می‌توان اولاً به عنوان یک قدرت زمینی و ثانیاً به عنوان بخشی از سرزمین هارتلند که با سرزمین‌های حاشیه‌ای هم‌مرز است در نظر گرفت. متعاقباً، از طریق کمر بند راه، چین می‌تواند کنترل بر سرزمین‌های حاشیه‌ای و هارتلند را افزایش دهد و در صورتی که نفوذ زیادی در پیوند بین هارتلند، سرزمین‌های حاشیه‌ای و جزیره جهانی داشته باشد، بر اساس نظریه مکیندر، این امر می‌تواند منجر به کنترل جزیره جهانی می‌شود که می‌تواند با هژمونی امروز ایالات متحده مقایسه شود.

از آنجایی که ایالات متحده در حال عقب‌نشینی از خاورمیانه است، چین می‌تواند به عنوان یک بازیگر قوی جدید در منطقه ظاهر شود و با استفاده از پروژه کمر بند راه، خاورمیانه و آسیای مرکزی را با شرق آسیا پیوند دهد تا به اهداف ژئوپلیتیکی خود دست یابد. این بدان معنی است که کمر بند راه می‌تواند بخش‌هایی از هارتلند یا حتی کل هارتلند را به زمین‌های حاشیه‌ای متصل کند و چین مرکز کنترل اتصالات شود. همانطور که در بالا ذکر شد، ایران می‌تواند نقش مهمی را به عنوان رابط بین آسیا، خاورمیانه و اروپا ایفا می‌کند (The Islamic Republic of Iran, 2016). با توجه به تئوری هارتلند مکیندر، اگر یک قدرت واحد دروازه بین اروپای غربی و قلب اوراسیا را کنترل کند، می‌تواند تهدیدی مهم برای قدرت‌های غربی، به‌ویژه ایالات متحده باشد (Knutsen, 2014: 843). ایران دقیقاً جایی است که این کریدور کمر بند راه را

از طریق ترکیه به اروپا تا آلمان متصل می‌کند. این یکی از دلایلی است که ایران برای موفقیت کمربند راه و اهداف ژئوپلیتیک چین در منطقه بسیار مهم است و می‌تواند قدرت چین را در درازمدت حداقل با کنترل اقتصادی کشورهایی که در مسیر زمینی قرار دارند افزایش دهد.

۲.۴ تلاش چین برای امنیت انرژی

از سال ۱۹۹۳، نگرانی‌های امنیت انرژی چین تغییر کرد. پیش از این، جمهوری خلق چین قادر به تامین نفت کافی برای بازار محلی به صورت خودکفا بود. ولی پس از رشد اقتصادی این کشور تقاضا برای واردات انرژی افزایش یافته است. ایران سومین تامین کننده بزرگ نفت خام چین در سال ۲۰۰۶ بود که ۷/۵ درصد از واردات چین را تشکیل می‌داد (OECD, 2020)، عرضه نفت خام به چین برای تامین نیازهای انرژی این کشور بسیار مهم است. با این حال، در ترکیب کشورهای تامین کننده نفت چین تغییری رخ داده است. درصد نفت خام ایران در واردات چین از ۷.۵ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۳ درصد در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته است. (Workman, 2020) این امر ایران را از پنج کشور اول صادرکننده نفت خام به رتبه نهم منتقل می‌کند. تجارت بین چین و ایران نیز در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۲۰۱۸ یک سوم کاهش یافت. صادرات چین به ایران حدود ۳۱ درصد کاهش یافت. با این وجود، این کشور همچنان بزرگترین شریک تجاری ایران است.

تحریم‌های آمریکا علیه ایران می‌تواند این کاهش واردات نفت خام را توضیح دهد. این تحریم‌ها یک ابزار ژئواکونومیکی است که آمریکا از آن برای فشار بر ایران استفاده می‌کند. اقدامات ایالات متحده منجر به استراتژی ژئواکونومیک تحریم‌ها و اقتصاد به عنوان یک ابزار قدرت می‌شود. این نشان می‌دهد که ابزارهای اقتصادی برای دولت‌ها برای اعمال قدرت بیش از پیش حیاتی‌تر می‌شوند. استفاده از تحریم‌ها به عنوان نوعی سلاح اقتصادی علیه ایران نیز به این معناست که می‌توان به سایر کشورها نشان داد در صورت سرپیچی از استراتژی آمریکا برای مجازات ایران، بدلیل عدم تبعیت از تحریم‌ها می‌توانند مشمول مجازات‌های ایالات متحده شوند (Bollino & Hatipoglu, 2019: 3).

با وجود این تهدید، چین بر خلاف سایر کشورها از خرید نفت خام از ایران دست برنداشته است (Bollino & Hatipoglu, 2019: 5). چندین شرکت چینی در سپتامبر ۲۰۱۹ به دلیل واردات نفت از ایران در لیست سیاه آمریکا قرار گرفتند. هدف ایالات متحده این است که تجارت نفت ایران را به حالت تعلیق درآورد که باعث ایجاد یک بحران اقتصادی گسترده

همکاری استراتژیک چین و ایران در خاورمیانه: ... (قدرت الله بهبودی و خاطره حمیدی) ۱۳

خواهد شد، زیرا بخش مهمی از اقتصاد ایران متکی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت است. بر اساس تئوری ژئواکونومیک، تعارضات توسط منطق همکاری دیکته می شود. این بدان معناست که درگیری ضرورت همکاری با دشمن را افزایش می دهد. پرونده امنیت انرژی چین به وضوح نشان می دهد که در این درگیری با آمریکا، ایران مایل به همکاری با کشوری است که به رقیب هژمونی آمریکا تبدیل شده است. در این راستا، ایران چین به عنوان یک دشمن آمریکا توصیف کرده در حالی که همکاری چین با ایران نیز به وضوح دلالت بر شراکت با دشمن مشترک آمریکا دارد.

با تجارت با ایران، چین باید منافع خود را در آمریکا و خاورمیانه متعادل کند تا از درگیری با کشورهایمانند عربستان سعودی که روابط دشواری با ایران دارند، جلوگیری کند. از منظر ژئواکونومیک، این منطقه به دلیل ذخایر عظیم نفتی آن چین جذاب است. به ویژه از آنجایی که ایران دارای بزرگترین میدان گازی و دومین ذخایر بزرگ نفت و گاز متعارف در جهان است. چین با ادامه واردات نفت خام ایران و نادیده گرفتن تحریم های آمریکا، تامین انرژی خود را تضمین کرده و قدرت اقتصادی خود را نشان می دهد (Rempel, 2020:2). این کشور می تواند با یافتن راه هایی برای دور زدن تحریم ها و افزایش نفوذ اقتصادی خود در ایران و منطقه با استفاده از ابزارهای ژئواکونومیک، از آمریکا پیشی بگیرد و این ابر قدرت را به چالش بکشد. علیرغم منابع غنی، جمهوری اسلامی از طریق تحریم های آمریکا تا حد زیادی منزوی می شود. انتخاب خاورمیانه برای پروژه کمربند راه، جایی که تامین کنندگان اولیه انرژی چین در آن قرار دارند، یک تصمیم استراتژیک ژئواکونومیک است که آن را به منطقه ای با گسترده ترین ذخایر نفت و گاز نزدیک تر می کند.

با توجه به خروج بیشتر آمریکا از خاورمیانه که مسائل امنیتی را مدیریت می کند، چین در آینده با مسئولیت بیشتری در این زمینه مواجه خواهد شد. از آنجایی که ایران تنها با مشکلات بسیار می تواند برای تجارت به کشورهای غربی روی آورد، به طور فزاینده ای به دنبال مشارکت با چین است. مبارزه برای دستیابی به بازارهای غربی، ایران را به عنوان بازار خارجی برای شرکت های چینی جذاب تر می کند. چین به یک محیط سرمایه گذاری مطمئن نیاز دارد و می خواهد نفوذ ایالات متحده بر عرضه نفت چین را به حداقل برساند (Marketos, 2019:105).

ایران اغلب به عنوان تهدیدی برای صلح خاورمیانه، به ویژه از سوی سیاستمداران آمریکایی در نظر گرفته می شود، که اهمیت ژئواکونومیک مرتبط با امنیت را برای چین ایجاد می کند، زیرا بیشترین سهم نفت این کشور از این منطقه تامین می شود. بر اساس تئوری ژئواکونومیک، امنیت

و قدرت اصلی ترین جنبه هایی است که کشورها به دنبال ارائه آن هستند. برقراری ثبات در ایران و تأثیرگذاری بر آن، فرصتی برای تأمین منابع انرژی و دستیابی به جایگاهی در منطقه است. به این ترتیب، جمهوری خلق چین می تواند به عنوان جایگزینی برای قدرت ایالات متحده در خاورمیانه ظاهر شود. این کشور باید عرضه نفت خود را تضمین کند تا بتواند تقاضا را در دو دهه آینده تأمین کند، که خاورمیانه نقش مهمی در آن ایفا خواهد کرد. تا سال ۲۰۳۵، سهم تجارت خالص جهانی نفت در اختیار چین از ۱۴ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۲۴ درصد افزایش خواهد یافت (Odgaard & Delman, 2022:109). این کشور ممکن است تا سال ۲۰۳۵، ۵۴ درصد از رشد خالص تجارت جهانی نفت را به خود اختصاص دهد که عمدتاً به دلیل افزایش جمعیت است. چین برای مقابله با چالش های احتمالی واردات نفت مانند تحریم های آمریکا علیه ایران یا درگیری های منطقه، به تنوع بخشیدن به این واردات خود به عنوان یک استراتژی ژئواکونومیک ادامه می دهد.

بنابراین، تقویت تجارت بین المللی و حفظ ثبات بازار بین المللی انرژی ضروری است. بر خلاف تجارت نفت خام، جمهوری خلق چین بر امضای قراردادهای عرضه بلندمدت با کشورهای خارجی تمرکز می کند و تنوع شرکای صادراتی را ترویج می کند. علاوه بر این، سرمایه گذاری خارج از کشور در زیرساخت های انرژی و همکاری بین المللی برای تبادل فناوری و خدمات را تشویق می کند (Odgaard & Delman, 2022:110). این نشان دهنده رویکرد ژئواکونومیک چین برای تنوع بخشیدن به واردات نفت خام و سرمایه گذاری های خارج از کشور برای دستیابی به امنیت انرژی بیشتر است.

به رغم کاهش صادرات نفت ایران به چین و عقب نشینی از پروژه ها، ایران همچنان مورد توجه ژئواکونومیک چین است. در سپتامبر ۲۰۱۹، مشارکت راهبردی جامع ایران و چین به روز شد، که اولین بار در سال ۲۰۱۶ امضا شده بود. بر اساس این مشارکت جامع راهبردی، جمهوری خلق چین ۲۸۰ میلیارد دلار در توسعه بخش های نفت، گاز و پتروشیمی ایران سرمایه گذاری خواهد کرد (Watkins, 2019). به عنوان بخشی از این مشارکت راهبردی جامع، مقامات چین و ایران تفاهم نامه ای را در خصوص سرمایه گذاری چینی در بخش های مختلف اقتصاد ایران طی ۲۵ سال آینده به مبلغ حدود ۴۰۰ میلیارد دلار امضا کردند. منافع اصلی شرکت های چینی در این مشارکت راهبردی جامع این است که حق پذیرش و رد پروژه های پتروشیمی در ایران و ارائه کمک های فنی قبل از مشارکت سایر بازیگران را دارند. این امتیاز به

این شرکت‌ها مانور قدرت در بازار را می‌دهد، که بخشی از هدف ژئواکونومیک برای دسترسی به بازار برای شرکت‌های چینی در خارج از آن کشور است (Tasnim News, 2019).

این سرمایه‌گذاری جایگزینی برای بازی قدرت جغرافیایی اقتصادی آمریکا با ابزار تحریم‌های شدید فراهم می‌کند. علاوه بر این، قدرت ژئواکونومیک آمریکا در ایران را به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که چین می‌تواند با تسکین اقتصاد جمهوری اسلامی از آمریکا پیشی بگیرد. همانطور که تئوری ژئواکونومیک نشان می‌دهد، اقتصاد از نظر پیشی گرفتن از سایر کشورها به جای استفاده از ابزار نظامی اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند. این امر محدود به روابط با کشوری نیست که قرار است از او پیشی بگیرد، بلکه می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر یا دشوارتر کردن دسترسی شرکت‌های کشور رقیب به بازارها اتفاق بیفتد. چین با سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و انرژی خود در ایران، شریک ژئواکونومیکی جذابی برای این کشور برای دور زدن تحریم‌ها است. ثبات ایران برای چین مهم است زیرا ایران به شدت بی‌ثبات می‌تواند باعث درگیری در منطقه شود و منابع نفت، گاز و پتروشیمی جمهوری خلق چین و پروژه کمربند راه‌سرا به خطر بیندازد. با نگاهی به مسائل امنیت انرژی چین، مشخص می‌شود که این کشور از سرمایه‌گذاری و تجارت برای ایجاد اتحاد با کشورهایی استفاده می‌کند که برای حفظ عرضه انرژی مهم هستند. استفاده از سرمایه‌گذاری و تجارت با ایران نه تنها یک موضوع امنیتی برای چین است، بلکه ابزاری قدرتمند است که چین را قادر می‌سازد هم موقعیت خود را در خاورمیانه تقویت کند و هم فرصتی به این کشور دهد تا سیاست‌های آمریکا در این منطقه را به چالش بکشد. سیاست فشار حداکثری و تحریم‌های آمریکا علیه ایران فرصتی بی‌نظیر برای استفاده از این آسیب‌پذیری به نفع چین است. پکن با استفاده از پیوندهای متقابل، پیوندهای اقتصادی و عدم تقارن، می‌تواند سیاست قدرت را پیش ببرد. اگرچه، باید مراقب باشد زیرا خطر قرار گرفتن تحت تحریم‌های ایالات متحده وجود دارد (Scholvin & Wigell, 2019: 2).

همانطور که در بالا ذکر شد، نه تنها امنیت انرژی چین، ایران را برای مشارکت جذاب می‌کند، بلکه بازارمنزوی آن، نیز فرصتی برای افزایش تجارت کالاها ایجاد می‌کند. (Scita, 2019). در حال حاضر ایران به دلیل تحریم‌ها و سیاست فشار حداکثری آمریکا از نظر سیاسی و اقتصادی با چالش‌هایی مواجه شده است. این فرصتی را برای چین برای گسترش نفوذ و تامین منافع این کشور در ایران فراهم می‌کند.

۵. چالش‌های رقابت استراتژیک آمریکا و چین در خاورمیانه

درست زمانی که چین چشم انداز خود برای تعامل اقتصادی گسترده در خاورمیانه را بیان کرد، ایالات متحده استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷ و استراتژی دفاع ملی ۲۰۱۸ خود را منتشر کرد که در آن دوره جدیدی از رقابت استراتژیک با چین و روسیه را تعریف کرده بود، در این سند بر دو عبارت راهبردی تأکید کرده و چین و روسیه را متهم می‌کند که قصد دارند «الگوهای اقتدارگرایانه خود را صادر کرده و نظم بین‌المللی تحت رهبری ایالات متحده را برای به دست آوردن نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی بر سایر کشورها از بین می‌برند.» (Wasser, 2021) با استراتژی امنیت ملی بایدن در سال ۲۰۲۲ و هشدار وزیر امور خارجه بلینکن به چین بر افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ دوباره تأکید شد. " در این استراتژی چین را کشوری تعریف می‌کند که به طور فزاینده‌ای توانایی به چالش کشیدن دیدگاه ما برای نظم بین‌المللی آزاد، باز، امن و مرفه را دارد " (Leaf, 2023).

ظهور رقابت قدرت‌های بزرگ برای بازتعریف استراتژی و اهداف جهانی ایالات متحده در استراتژی خاورمیانه‌ای این کشور نیز آمده است. در حالی که ایالات متحده می‌تواند تلاش‌ها را برای ارتقای یکپارچگی امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه حول منافع مشترک امنیتی، (مانند نیاز به مهار ایران و حفاظت از جریان آزاد تجاری) سازماندهی کند، اما با چالش‌هایی مواجه است. اکثر شرکای منطقه‌ای ایالات متحده، روابط اقتصادی با چین را وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف گسترده‌تر خود در تحول اقتصادی و یکپارچگی جهانی می‌دانند. چندین کشور عربی خلیج فارس با «دیدگاه‌های» بلندپروازانه آینده برای تحول اقتصادی، به‌ویژه علاقه‌مند به همکاری با طرح‌های ادغام نرم چین هستند.

ایالات متحده در حال حاضر تلاش‌های چین برای ایجاد پیوندهای اقتصادی و زیرساخت‌ها را تحت ابتکار یک کمربند و یک جاده به عنوان «اهرمی استراتژیک برای جانشینی رهبری ایالات متحده در منطقه تحت پوشش ابتکارات اقتصادی خوش‌خیم و گسترش روابط امنیتی» می‌داند. ایالات متحده گسترش روابط اقتصادی کشورهای منطقه با چین را به عنوان یک تهدید امنیتی مبرم میدانند که بر آن متمرکز شده است. مایکل «اریک» کوریلا (Michael 'Erik' Kurilla)، فرمانده سنت کام، استدلال می‌کند: «ما در حال رقابت برای ادغام شرکای خود قبل از نفوذ عمیق چین و روسیه به منطقه هستیم» (U.S. Central Command, 2023). ایالات متحده با وجود موقعیت نظامی قوی خود در منطقه و تلاش برای یکپارچگی امنیتی، تلاش نموده از اهرم فشار بر بازیگران منطقه استفاده کند. این تنش‌ها زمانی برجسته‌تر شد

همکاری استراتژیک چین و ایران در خاورمیانه: ... (قدرت الله بهبودی و خاطره حمیدی) ۱۷

که روسیه به اوکراین حمله کرد و متحدان کلیدی ایالات متحده مانند عربستان سعودی و اسرائیل از مقابله و تحریم شدید روسیه خودداری کردند. عربستان سعودی حتی علاقه خود را به هماهنگی سیاست نفتی خود با روسیه برای جلوگیری از کاهش قیمت نفت (در مخالفت با خواسته های اعلام شده ایالات متحده) حفظ کرد. مهمتر از آن، کشورهایمانند امارات و عربستان سعودی همچنان به روابط اقتصادی با چین اهمیت می دهند و سرمایه گذاری از سوی چین و روابط اقتصادی این کشور با خاورمیانه همچنان قوی است. با این حال، ایالات متحده ادغام نرم چین را تهدیدی برای ادغام سخت خود می داند. به گفته باربارا لیف، دستیار وزیر امور خارجه در امور خاور نزدیک، «تعامل اقتصادی چین همیشه صرفاً اقتصادی نیست. این اغلب نگرانی های امنیتی را برای ایالات متحده و شرکای ما به همراه دارد.» او نگرانی های مربوط به «سرقت مالکیت معنوی، انتقال فناوری و جمع آوری داده ها» را در چین برجسته می کند و خاطرنشان می کند: «ما به شرکای خود در مورد خطرات ذاتی در پذیرش چنین سرمایه گذاری هشدار داده ایم (Leaf, 2023).

رویداد اینچینی توانایی این را دارند که منجر به تنش شوند. مقامات ایالات متحده به شدت با یک شرکت چینی که مدیریت بندر حیفا اسرائیل را برعهده داشت به شدت مخالفت کردند زیرا آن تهدیدی برای ناوگان ششم ایالات متحده در شرق مدیترانه تلقی می کنند. مقامات ایالات متحده به شرکت های دولتی چینی که در بندری در نزدیکی ابوظبی کار می کنند مشکوک بودند و آنها را به توسعه پایگاه نظامی چین متهم کردند. مهم تر از همه، ایالات متحده در سراسر منطقه تلاش کرده است تا کشورهای شریک را متقاعد کند که با استفاده از سیستم های جی ۵ هوایی از ترس اینکه دولت چین از دسترسی به شبکه دولتی برای اهداف نظارتی و اطلاعاتی استفاده کند، خودداری کنند. فرمانده نیروی هوایی سنتکام در مورد خطرات امنیتی هشدار می دهد:

اگر این نوع زیرساخت وارد شود و شروع به لمس با شبکه ها کند، به دلیل توانایی های جمع آوری اطلاعاتی که ممکن است همراه با آن باشد، خطری را متوجه نیروهای آمریکایی و توانایی های فنی ایالات متحده خواهد کرد. (Garamone, 2023).

لیف همچنین درباره پیامدهای بلندمدت روابط اقتصادی چین با منطقه هشدار داده و می گوید: «پکن ممکن است از این روابط برای منافع سیاسی و حتی اجباری استفاده کند.» فرمانده نیروی هوایی سنتکام اظهار می دارد، "از جایی که منافع اقتصادی شروع می شود، منافع نظامی برای محافظت از آن منافع اقتصادی بسیج می شود" و خاطرنشان کرد: "به مرور زمان،

... خطر گسترش نظامی چین به منطقه وجود دارد." برای مثال، نفوذ فزاینده چین می‌تواند در نهایت بر دسترسی «ایالات متحده آمریکا» به پایگاه‌ها و پروازهای هوایی در منطقه تأثیر بگذارد» (leaf,2023).

مقامات ایالات متحده برداشت خود را از تهدیدهایی چین که با ادغام نرم همراه است، براساس تلاش‌های بالقوه آینده این کشور با استفاده از روابط اقتصادی برای به چالش کشیدن منافع امنیتی ایالات متحده در منطقه تعریف می‌کنند. چنین ترس‌هایی نشان می‌دهد که رویکرد چین در منطقه، ایالات متحده را به ایجاد حضور نظامی گسترده در منطقه نفت‌خیز خلیج فارس سوق خواهد داد. نتیجه این رویکرد چین این است که ایالات متحده تعهدات امنیتی بالا و احتمالاً در حال گسترش خود را در منطقه حفظ می‌کند. این رویکرد باعث شده است که دولت بایدن به دنبال پیوند دادن منافع اقتصادی و امنیتی کشورهایی مانند عربستان سعودی به ایالات متحده باشد که احتمالاً با هزینه‌های زیادی از جمله تعهدات امنیتی طولانی مدت انجام می‌شود.

در واکنش به رویکرد ایالات متحده، چین به طور فزاینده‌ای با آنچه که «ذهنیت جنگ سرد» (Cold War mindset) ایالات متحده می‌نامد، مخالفت کرده است. این تلاش‌ها شامل افزایش فروش تسلیحات هم به رقبای آمریکا و هم به متحدانش در خاورمیانه می‌شود. این استراتژی چین که به اصطلاح «استراتژی تیغه» (wedge strategy) نامیده می‌شود (Fulton,2022) سازگاری رویکردهای رقیب ادغام نرم و سخت را کاهش می‌دهد که خطر افزایش شکست‌های منطقه‌ای را به همراه دارد.

در همین حال، ایالات متحده به طور مستقیم با برنامه‌های چین با توسعه ادغام و همکاری خود رقابت می‌کند و بر کشورهایی مانند هند تمرکز می‌کند که قدرت رو به رشد چین را یک تهدید می‌دانند. به عنوان مثال، ایالات متحده پیشنهاد کرده است شکاف زیرساختی جهانی را پر کنند و در این راستا در نشست گروه ۲۰ برنامه‌های کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا را اعلام کرد.

۶. نتیجه‌گیری

پس از انتشار استراتژی امنیت ملی ایالات متحده در سال ۲۰۲۲، تنش بین ایالات متحده و چین افزایش یافت، اگرچه رئیس‌جمهور بایدن و سایر مقامات ایالات متحده از آن زمان به منظور جلوگیری از تشدید بیشتر از چین بازدید کردند. با این حال، یک استراتژی بلندمدت باید

همکاری استراتژیک چین و ایران در خاورمیانه: ... (قدرت الله بهبودی و خاطره حمیدی) ۱۹

قوانین و هنجارهایی را برای رقابت ایجاد کند. رویکرد دولت بایدن قوانین رقابت را در چارچوب استراتژی جهانی فعلی ایالات متحده و درک آن از نظم بین المللی مبتنی بر قوانین تعریف می کند. چنین رویکردی که به صراحت نظم جهانی را که امنیت ملی چین و منافع استراتژیک جهانی را تامین می کند رد می کند، که باعث خواهد شد زمینه درگیری های آینده را فراهم سازد.

در خاورمیانه، این امکان وجود دارد که ادغام سخت ایالات متحده و تعامل نرم چین با هم وجود داشته باشند. ایالات متحده باید جنبه های مثبت تر حضور رو به رشد چین در خاورمیانه را بپذیرد و به جای تلاش برای مهار، مشارکت پکن در توسعه و ثبات منطقه ای را تشویق کند. به عبارتی بهتر باید رویکردی اتخاذ کند که همسویی را بپذیرد. مقامات ایالات متحده اغلب درخواست های کشورهای خاورمیانه را برای انتخاب رقیب واشینگتن را رد می کنند و تأکید می کنند که ایالات متحده فقط می خواهند خطرات همکاری با چین را روشنتر کند.

ایالات متحده می تواند در عین حال که وضعیت مستمر خود را به عنوان قدرت نظامی مسلط در خاورمیانه حفظ کند، می تواند از همسویی متقابل حمایت کند. همچنین، خطرات روابط اقتصادی با چین باید بر اساس نیازها و منافع متحدان منطقه ای ارزیابی شود. ایالات متحده به جای مبارزه با همه اشکال نفوذ منطقه ای چین، می تواند بر حمایت از نیازهای بازیگران منطقه ای تمرکز کند تا آنها بتوانند بیشترین سود را از این روابط ببرند و از جنبه های منفی احتمالی مانند «تله های بدهی» جلوگیری کنند.

چین و ایران سابقه طولانی در روابط مشترک دارند که تا امروز ادامه دارد. برای جمهوری خلق چین، ایران نه تنها تامین کننده نفت خام و گاز است، بلکه امکانی برای ایجاد قدرت ژئوپلیتیکی نیز هست. در جریان این پژوهش مشخص شد که عمدتاً اهداف ژئوپلیتیکی و اقتصادی چین است که روابط این کشور با ایران را هدایت می کند. بکارگیری چارچوب نظریه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در تحقیق، بینشی از اهمیت ژئوپلیتیکی ایران به دست داد. ایران یک عامل اساسی برای هدف اتصال کمربند راه به اروپای شرقی و افزایش قدرت ژئوپلیتیکی چین است. کمربند راه می تواند با ایجاد ثبات در اقتصاد ایران تا حد ممکن و اتصال آن به کشورهای همسایه، به ایجاد یک محیط امن سرمایه گذاری برای شرکت های چینی کمک کند. ایران به عنوان رابط بین آسیا و اروپا، آن را برای مسیر زمینی کمربند راه و افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی و اقتصادی چین در امتداد جاده ابریشم جدید و خاورمیانه بسیار مهم می کند. با اجرای پروژه هایی برای کمربند راه و جلوگیری از فروپاشی اقتصاد ایران به دلیل تحریم های

آمریکا، موضع و سیاست های آمریکا در قبال ایران را به چالش می کشد. بنابراین، ایران نه تنها به عنوان یک تامین کننده انرژی و نقطه اتصال مهم برای کمر بند راه عمل می کند، بلکه برای به چالش کشیدن کنترل ایالات متحده بر این کشور، که به نوبه خود آن را به عنوان یک رهبر جهانی زیر سوال می برد.

با حمایت چین از ایران، این کشور جایگزینی برای جهان بینی آمریکایی فراهم می کند. برای ایران، این فرصتی است برای داشتن شریکی برای حفظ برجام و در برابر موضع آمریکا. همانطور که تجزیه و تحلیل نشان داد، موقعیت تقویت شده چین در ایران حمایت و جایگاه مهم استراتژیکی را برای کمر بند راه فراهم می کند. پکن با افزایش قدرت خود در ایران، و اتصال کمر بند راه از طریق اروپا، می تواند قدرت خود در هارتلند را نیز افزایش دهد. این امر موقعیت ایالات متحده را به عنوان هژمون به چالش می کشد، زیرا کسی که بر هارتلند حکومت می کند، بر جزیره جهانی و جهان حکومت می کند

استراتژی چین در راستای ترویج چندقطبی گری است، که به نظر می رسد در خاورمیانه روند روبه رشدی دارد در این زمینه، ممکن است انتظار این باشد که چین روابط صمیمانه خود را با همه کشورهای حاشیه خلیج فارس (از جمله ایران) بهبود ببخشد بدون اینکه منافع آمریکا را به چالش بکشد. اصولاً ایالات متحده و چین علاقه استراتژیکی به ثبات در خلیج فارس دارند و در حالی که ممکن است تغییرات چشمگیر در سیاست جهانی به سمت چندقطبی گرایی و نیز در سیاست خاورمیانه آمریکا در راه باشد، چین می تواند بی سر و صدا روابط اقتصادی خود را توسعه دهد، از یک سو امنیت منابع انرژی خود را تأمین کند و از سوی دیگر زمینه را برای توسعه پروژه کمر بند جاده خود در خاورمیانه را فراهم می کند.

کتابنامه

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و امیری زر، فاطمه (۱۳۸۸)، بررسی روابط ایالات متحده و چین در منطقه آسیا- پاسفیک پس از یازده سپتامبر، *دوفصلنامه پژوهش سیاست*، سال یازدهم، پاییز و زمستان، شماره ۲
- سلطانی، احمد و زهرانی، مصطفی (۱۳۹۱)، سیاست چین در مناقشه هسته ای ایران و عوامل موثر بر آن، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۵۸، ص ۱۴۴.

- Andersen, Lars, Erslev (2019), China, the Middle East, and the reshaping of world order, DIIS Working Paper No. 2019:14, *Danish Institute for International Studies (DIIS), Copenhagen*, <https://www.econstor.eu/bitstream/10419/227722/1/1686323123.pdf>
- AP News. (2019). Iran says Chinese state oil firm has withdrawn from 5 billion US dollar deal', *AP News*, October 6, Retrieved from <https://apnews.com/b11873fcb1ed49cf9ad2d0bfdc38798c> ‘.
- Arms Control Association* (2015). The JCPOA agreement ‘Section 3: Understanding the JCPOA’, Arms Control Association, Retrieved from <https://www.armscontrol.org/2015-08/section-3-understanding-jcpoa>.
- Barbuscia, D. (2020, January 15). Iran recession to deepen, reserves to fall to \$73 billion by March: *IIF Reuters*. Retrieved April 09, 2020, from <https://www.reuters.com/article/us-iran-economy-iif/iran-recession-to-deepen-reserves-to-fall-to-73-billion-by-march-iif-idUSKBN1ZE139>.
- Blanchard, B. (2018, July 6). China chides Iran over the threat to block oil exports through the Strait of Hormuz. Retrieved April 23, 2020, from Reuters: <https://www.reuters.com/article/us-iran-oil-china/china-chides-iran-over-threat-to-block-oil-exports-through-strait-of-hormuz-idUSKBN1JW0CQ>.
- Bollino, C. A., Efirid, B., Hasanov, F., & Hatipoglu, E. (2019). Iran Sanctions: Implications for the Oil Market. King Abdullah *Petroleum Studies and Research Center*. Retrieved April 18, 2020, from http://research.sabanciuniv.edu/37396/1/Iran_Sanctions__Implications_for_the_Oil_Market.pdf
- Borger(2023), “Brics to more than double with the admission of six new countries,” *The Guardian*, August 24, 2023, <https://www.theguardian.com/business/2023/aug/24/five-brics-nations-announce-admission-of-six-new-countries-to-bloc>.
- Borger, J., & Wintour, P. (2021, February 4), “Biden Announces End to US Support for Saudi-Led Offensive in Yemen”, *The Guardian*, available in: <https://www.theguardian.com/world/2021/feb/04/us-end-support-saudi-led-operations>.
- CGTN (2021) “China Supports Holding Meetings with JCPOA Participants and U.S.,” March 1, 2021. *CGTN Institute* available at: <https://news.cgtn.com/news/2021->.
- China’s Arab Policy Paper (2016). Xinhua, 14 January. Official English translation available at: http://www.china.org.cn/world/2016-01/14/content_37573547.htm (accessed 23 May 2019).
- Congressional Research Service (CRS) (2020, November 23). “*Arms Sales in the Middle East: Trends and Analytical Perspectives for U.S. Policy*”. available in: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44984.pdf>.
- Dawn, M(2024), “The Middle East in a Multipolar World”, <https://peacediplomacy.org/2024/03/14/the-silk-road-to-power-chinas-ambitions-in-the-middle-east-and-strategic-implications-for-the-western-alliance/>.
- Dewey Sim(2023), “Israel-Gaza war: China will ‘do anything’ to restore peace, but ‘prospects are worrying’, envoy says,” *The South China Morning Post*, October 23, 2023, <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3238893/israel-gaza-war-china-will-do-anything-restore-peace-prospects-are-worrying-envoy-says>.

- Fulton (2022), "China is trying to create a wedge between the United States and Gulf allies. Washington should take note," *The Atlantic Council MENASource* (Jan. 27, 2022), <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/china-is-trying-to-create-a-wedge-between-the-us-and-gulf-allies-washington-should-take-note/>.
- Fulton, J (2018,) Striking a balance between economics and security: China's relations with the Gulf monarchies, in L Sim and J Fulton (eds) *External powers and the Gulf monarchies*, Routledge, London.
- Fulton, J. (2019). China's Changing Role in the Middle East, Rafik Hariri Center for the Middle East, *Atlantic Council*, June 2019, Retrieved from https://atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2019/06/Chinas_Changing_Role_in_the_Middle_East.pdf.
- Fulton, Jonathan (2020) "U.S.-China Economic and Security Review Commission, hearing on U.S.-China Relations", *Enduring Problems and Emerging Challenges*, September 9, 2020,4.
- Garamone,J(2023). "General Says Middle East is a Theater for Strategic Competition," *DOD News*, Oct. 4, 2023.
- Gerald M. Fierstein, Bilal Y. Saab, Karen E. Young (2022), US-Gulf Relations at the Crossroads: Time for a Reset, *Middle East Institute*, <https://www.mei.edu/sites/default/files/2022-04/US-Gulf%20Relations%20at%20a%20Crossroads%20-%20Time%20for%20a%20Recalibration.pdf>.
- Guo LC (ed) (2017). *The Belt & Road: Official Documents*, Beijing and Washington: ICP Intercultural Press.
- Harold, S., & Nader, A. (2012). *China and Iran: Economic, Political, and Military Relations*. Santa Monica: RAND. Retrieved March 01, 2020, from <https://www-jstor-org.zorac.aub.aau.dk/stable/pdf/10.7249/j.ctt1q60w8.7.pdf?refreqid=excelsior%3A479d2ec224535ca7deafc758bb78628b>.
- Hudson, Ellen Nakashima and Liz Sly, (2023). "Buildup resumed at suspected Chinese military site in UAE, leak says," *The Washington Post*, April 26, 2023, <https://www.washingtonpost.com/national-security/2023/04/26/chinese-military-base-uae/International Organization 46, no. 2>.
- Islamic Republic of Iran: Ministry of Foreign Affairs. (2019, December 6). Iran Slams US Interference in China's Internal Affairs. Retrieved May 2, 2020, from the Islamic Republic of Iran: *Ministry of Foreign Affairs*: <https://en.mfa.ir/portal/newsview/568707>.
- Johanson, D. (2019). Becoming a 'Responsible Power'? China's New Role during the JCPOA Negotiations. In D. Johanson, J. Li, & T. Wu, *New Perspectives on China's Relations with the World: National, Transnational and International* (pp. 159-173). Bristol: E-International Relations Publishing. Retrieved March 01, 2020, from <http://www.e-ir.info/wp-content/uploads/2019/03/New-Perspectives-on-China%E2%80%99s-Relations-with-the-World-E-IR.pdf#page=171>
- Jun, L., & Lei, W. (2010). Key Issues in China-Iran Relations. *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies* (in Asia), 4(1), pp. 40-57. doi:10.1080/19370679.2010.12023147.
- Katz, D. (2019, October 01). Despite sanctions, China is still doing (some) business with Iran. Retrieved April 19, 2020, from *Atlantic Council*: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/despite-sanctions-china-is-still-doing-some-business-with-iran>.

- Kavalski E (2013). "The struggle for recognition of normative powers: normative power Europe and normative power China in context". *Cooperation and Conflict* 48(2): 247–267.
- Kenderdine T and Lan P (2018). "China's Middle East investment policy", *Eurasian Geography and Economics* 59(5–6): 557–584.
- Kerr, P. K., & Katzman, K. (2018). Iran Nuclear Agreement and U.S. Exit. *Congressional Research Service*. Retrieved March 01, 2020, from <http://goodtimesweb.org/diplomacy/2019/R43333.pdf>.
- Leaf,(2023 "Statement for the Record," Senate Foreign Relations Committee Subcommittee on Near East, South Asia, Central Asia, and Counterterrorism, May 31, 2023.
- Marketos, T. N. (2009). *China's Energy Politics: The Shanghai Cooperation Organization and Central Asia*. Abingdon: Routledge.
- MOFA. (2020, February 15). State Councilor and Foreign Minister Wang Yi Meet Iranian Foreign Minister Mohammad Javad Zarif. Retrieved from Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjdt_665385/wshd_665389/t1745412.shtml.
- Murphy, D (2024). "Testimony before the U.S.-China Economic and Security Review Commission
- Odgaard, O., & Delman, J. (2022, May 3). China's energy security and its challenges towards 2035. *Energy Policy*, 71, pp. 107-117. doi:10.1016/j.enpol.2014.03.04.
- OECD. (2020, March 21). Where does China import Crude Petroleum from? Retrieved from OECD - *The Observation of Economic Complexity*: https://oec.world/en/visualize/tree_map/hs92/import/chn/show/2709/2017.
- Okano-Heijmans M (2017). Economic diplomacy. In: Constantinou CM, Kerr P and Sharp P (eds) *The Sage Handbook of Diplomacy*. London: Sage, pp. 552–563.
- Rempel, H. (2020, March 14). Erdöl und Erdgas im Iran. *Commodity Top News*, 23. Retrieved April 2020 from https://www.bgr.bund.de/DE/Gemeinsames/Produkte/Downloads/Commodity_Top_News/Energie/23_erdoel_erdgas_iran.pdf?__blob=publicationFile&v=3.
- Sanger, D. E. (2019). 'Iran breaks with more limits in nuclear deal as it pushes for European aid', *New York Times*, September 7, 2019, Retrieved from <https://www.nytimes.com/2019/09/07/us/politics/iran-nuclear-deal.html>.
- Scholvin, S., & Wigell, M. (2019). Geo-economic power politics: An Introduction. In M. Aaltola, S. Scholvin, & M. Wigell, *Geo-economics, and Power Politics in the 21st Century: The Revival of Economic Statecraft* (pp. 1-13). Abingdon: Routledge.
- Scita, J. (2019, February 8). China-Iran: A Complex, Seesaw Relationship. Istituto per gli Studi di Politica Internazionale. Retrieved April 22, 2020, from <https://www.ispionline.it/it/pubblicazione/china-iran-complex-seesaw-relationship-22242>
- Scobell, A. (2018). *China's Search for Security in the Middle East, The Red Star & the Crescent: China and the Middle East*, London: Hurst & Company 2018, Retrieved from <https://www.diis.dk/publikationer/can-china-buy-peace.tate> Council of the People's Republic of China (2006). Government White Paper: China's National Defense in 2006. Official English text (as published on

- the website of the Information Office of the State Council) available in Chinese Journal of International Law (2007) 6(1):195–235.
- Statement of General Michael 'Erik' Kurilla on the Posture of U.S. Central Command - SASC Hearing Mar 16, 2023," U.S. Central Command.
- Tasnim News*. (2019, September 9). China invests 400 billion dollars in Iran's economy ؟. Retrieved April 26, 2020, from Tasnim News: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/06/16>.
- U.S. Department of Defense* (2019) Indo-Pacific Strategy Report, June 1, 2019. U.S. Department of Defense <https://media.defense.gov/2019/Jul/01/2002152311/-1/-1/1/DEPARTMENT-OF-DEFENSE-INDO-PACIFIC-STRATEGY-REPORT-2019.PDF>.
- U.S. Department of Defense(2023). "Military and Security Developments Involving the People's Republic of China," Annual Report to Congress, 2023, <https://www.defense.gov/News/Releases/Release/Article/3561549/dod-releases-2023-report-on-military-and-security-deve>.
- USCC Hearing on "China and the Middle East", https://www.uscc.gov/sites/default/files/2024-04/Dawn_Murphy_Testimony.pdf.
- Vangeli A (2018). Global China and symbolic power: the case of 16+1 cooperation. *Journal of Contemporary China* 27(113): 674–687.
- Wasser et al,(2022), *Crossroads of Competition: China, Russia, and the United States in the Middle East* (Santa Monica: RAND, 2022), ix
- Wendt, A. (1992). 'Anarchy is what States Make of It: The Social Construction of Power Politics',
- Workman, D. (2020, March 21). *World's Top Exports: Top 15 Crude Oil Suppliers to China*. Retrieved from <http://www.worldstopexports.com/top-15-crude-oil-suppliers-to-china/>.
- Zhu, Y. & Blachford D. (2019). Securitization, insecurity, and conflict in contemporary Xinjiang, *Central Asian Survey* Vol. 38, No.1.